

بخش مرکزی شهرستان آبدانان، استان ایلام [۱]

مهسا فیضی *

نسیم فیضی **

چکیده

شهرستان آبدانان واقع در جنوب شرق استان ایلام، از منظر باستان شناختی و تاریخی یکی از مهم‌ترین شهرستان‌های استان به شمار می‌رود. این منطقه چندین بار مورد بررسی‌های باستان شناختی قرار گرفته است. در اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ از طرف سازمان میراث فرهنگی آخرین فصل بررسی در قسمت شمالی بخش مرکزی آبدانان صورت گرفت. در این بررسی نوزده محوطه مربوط به دوران مختلف پیش از تاریخ (عصر مفرغ)، تاریخی و اسلامی شناسایی گردید. چهار محوطه متعلق به گورستان‌های دوران اسلامی متأخراند. با توجه به این که تمام این گورستان‌ها فاقد محوطه‌های استقرار می‌باشند؛ احتمالاً "متعلق به جوامع سیار بوده اند. نکته‌ی جالب توجه آن که بر روی سنگ گورهای این منطقه تصاویر مختلفی اعم از نقوش انسانی، حیوانی، گیاهی و نیز ابزار و ادوات دیده می‌شود که فرهنگ و جهان بینی مردمان ساکن این منطقه را بازتاب می‌دهند. این تحقیق به روش میدانی (بررسی باستان‌شناختی در محل) و استفاده از منابع مکتوب (مقایسه آن با قبرها مناطق دیگر) انجام شده است. در این مقاله سعی شده علاوه بر معرفی محوطه-های مذکور، به بررسی و مطالعه ی نقوش گورها پرداخته شود و با سایر گورهای مشابه و معاصر قبرستان‌های شهرستان دلیجان در استان مرکزی، قبرستان دارالسلام در استان فارس و قبرستان سمیران در استان گیلان مقایسه‌ی مختصری صورت گیرد.

واژگان کلیدی: آبدانان، گورستان، گور، نقش، دوره‌ی اسلامی

* دانشجوی دکتری باستان شناسی دانشگاه تهران

** دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

بیان مسأله و ضرورت آن

شهرستان آبدانان واقع در جنوب شرق استان ایلام به لحاظ باستان‌شناسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گواه این مسأله فراوانی محوطه‌های ثبت شده در این منطقه است که طیف زمانی گسترده‌ای را از دوران پیش از تاریخ تا دوران اسلامی متأخر در بر می‌گیرد. فراوانی محوطه‌ها، آثار فرهنگی آبدانان، فرهنگ غنی عامه و حجم اندک انتشارات ضرورت بررسی، تجزیه و تحلیل آثار فرهنگی را در بافت محلی فراهم آورده است. در این مقاله در پی معرفی و شناسایی گوشه‌ای از فرهنگ این منطقه مهجور هستیم. محوطه‌های مورد بررسی شامل چهار گورستان مربوط به دوران متأخر اسلامی است که فاقد محوطه‌های استقرار مرتب هستند، به نظر می‌رسد گورستان‌های مذکور مربوط به جوامع سیار هستند. روی برخی از گورها تصاویری اعم از انسانی، حیوانی، گیاهی و نیز ابزار و ادوات دیده می‌شود که نشان از دلبستگی‌ها و دغدغه‌های مردمان ساکن این نواحی دارد. نکته‌ی جالب توجه آن که تصاویر حک شده بر گورها، با تصاویر گورهای معاصر در سایر مناطق ایران بسیار متفاوت است. در این راستا، به بررسی و مقایسه‌ی گورهای این منطقه با چندین گورستان معاصر و مشابه در سایر نقاط ایران پرداخته‌ایم. امید است پژوهش‌های تطبیقی میان این تصاویر و فرهنگ شفاهی (اعم از باورها، اندیشه‌ها و افسانه‌ها) راه گشای فهم و درک بیشتر فرهنگ پیشینیان این منطقه باشد.

روش و اهداف بررسی

اولین هدف این طرح، بررسی و شناسایی محوطه‌های باستانی قسمت شمالی بخش مرکزی آبدانان به منظور ارایه‌ی وضعیت کمی و کیفی برای تکمیل نقشه‌ی باستان‌شناسی کشور و نیز نقشه‌ی الگوی پراکندگی محوطه‌ها با هدف جلوگیری از تخریب آن‌ها بوده است. هدف دیگر طرح، شناسایی و بررسی محوطه‌های باستانی مناطق جنوبی پشتکوه به منظور به دست آوردن الگوی پراکندگی این محوطه‌ها در دوران مختلف است. با شناسایی محوطه‌های باستانی، وضعیت این منطقه در دوران گوناگون باستان‌شناسی تا حدی معلوم می‌شود و زمینه برای انجام مطالعات باستان‌شناسی بیشتر در آینده فراهم می‌گردد (جوانمرد زاده، ۱۳۸۹: ۲۰).

بررسی باستان‌شناسی بخش مرکزی شهرستان آبدانان، به صورت پیمایشی فشرده و گام به گام انجام شده است؛ تنها در جایی که منطقه قابل رؤیت بوده و امکان استفاده از وسیله‌ی نقلیه با اولویت شناسایی آثار بوده، از ماشین استفاده شده است (همان: ۱۵)

موقعیت جغرافیایی شهرستان آبدانان

شهرستان آبدانان در جنوب شرقی استان ایلام بین مدارهای ۹ درجه و ۳۱ دقیقه تا ۹ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۵۹ درجه و ۴۷ دقیقه تا ۲۰ درجه و ۴۷ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. این شهرستان از شمال به شهرستان دره شهر، از جنوب و غرب به شهرستان دهلران و از شرق به استان های خوزستان و لرستان محدود می شود. وسعت شهرستان آبدانان دو هزار و ۶۱۷ کیلومتر مربع است که در مجموع ۶/۲ درصد از وسعت استان را در بر می گیرد. مرکز شهرستان، شهر آبدانان است که بین چین خوردگی های منظم و مارنی (بین رشته کوه کبیرکوه و دینارکوه) در شمال غربی شهرستان قرار گرفته است (همان: ۶) (نقشه ی شماره ۱).



نقشه ی شماره (۱): موقعیت شهرستان آبدانان در استان ایلام

شهر آبدانان

هسته ی اولیه ی شهر آبدانان در سال ۱۳۰۷ ه.ش و پس از اجرای طرح اسکان عشایر، با یکجانشین کردن عشایر منطقه بنیان نهاده شد. از لحاظ ترکیب قومی و انسانی، آبدانان فعلی از اقوام کرد، لک و لر تشکیل شده است. شهر فعلی آبدانان در دوره ی قاجار به عنوان جزئی از ولایت پشتکوه تحت حاکمیت والیان پشتکوه لرستان بود و در سال ۱۳۱۶ ه.ش به یکی از بخش های شهرستان ایلام به عنوان شهرستانی از استان پنجم (کرمانشاهان) تبدیل شد. در آن زمان مرکزیت آبدانان، آبادی آبدانان بوده، در سال ۱۳۴۲ ه.ش و جدا شدن ایلام از کرمانشاهان به عنوان فرمانداری کل، آبدانان به عنوان بخشی از شهرستان دهلران به حساب می آمد. در سال ۱۳۶۲ ه.ش به منظور سهولت خدمات رسانی به رزمندگان از دهلران جدا و به شهرستان دره شهر ملحق شد. سرانجام آبدانان در سال ۱۳۷۴ ه.ش به

عنوان شهرستانی مستقل با مرکزیت شهر آبدانان در نقشه‌ی استان ایلام ظاهر شد (سلاورزی ۱۳۸۱: ۱۲۱-۱۲۲).

پیشینه‌ی تحقیق

بررسی‌های باستان‌شناسی شهرستان آبدانان برای اولین بار به صورت هدفمند در سال ۱۳۷۹ و با سرپرستی عباس مترجم آغاز شد. وی بخش مرکزی و سراب باغ را مورد بررسی قرار داد. در سال بعد یعقوب محمدی فر با همکاری عباس مترجم فصل دوم بررسی‌های باستان‌شناسی را در بخش‌های مذکور ادامه دادند (مترجم، ۱۳۷۹؛ محمدی فر، ۱۳۸۰).

ابراهیم مرادی در سال ۱۳۸۴ فصل سوم بررسی‌ها را در بخش مورموری از توابع شهرستان آبدانان مورد بررسی، شناسایی و ثبت قرار داد (مرادی، ۱۳۸۴).

فصل چهارم بررسی‌های باستان‌شناسی شهرستان آبدانان، در سال ۱۳۸۷ و به سرپرستی علی اکبر احمدی در بخش مرکزی این شهرستان به انجام رسید (احمدی، ۱۳۸۷).

در نتیجه‌ی بررسی‌های باستان‌شناسی در نقاط مختلف شهرستان، آثار باستانی مناطق جنوب، شرق و غرب شهرستان مورد بررسی، شناسایی و ثبت قرار گرفت و تنها بخش‌های شمالی و شمال غربی بخش مرکزی به مرکزیت دهستان انجیره بدون بررسی برجای ماند. طبق طرح پیشنهادی از سوی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام، قرار شد آثار باستانی این قسمت مورد بررسی قرار گیرد و شناسایی و ثبت شود (جوانمردزاده، ۱۳۸۹: ۱۴).

منطقه‌ی مورد بررسی

بر اساس طرح سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام، بخش شمال غربی شهرستان آبدانان، واقع در محدوده‌ی بخش مرکزی، منطقه‌ی مورد بررسی به شمار می‌آید. این منطقه از شرق به روستای گنداب، از جنوب به منطقه قرح بالا و پایین، از غرب به منطقه‌ی میان‌هوار و از شمال نیز به پادامنه‌های کبیرکوه محدود است. این منطقه کاملاً کوهستانی دارای چشمه‌های فراوان و رودخانه‌هایی است که پس از به هم پیوستن، رودهایی مثل میمه را به وجود می‌آورند. جنگل‌های نسبتاً انبوه منطقه زمینه‌ی مناسبی را برای حضور عشایر فراهم می‌آورد، البته، زمین‌های کشاورزی در مقایسه با مراتع بسیار کم می‌باشند (نقشه‌ی شماره ۲). در فصل چهارم این بررسی‌ها احمدی به وجود آثاری مثل محوطه‌ی گیزه در منطقه‌ی بین روستاهای گنداب و انجیره اشاره کرده است (همان).



نقشه‌ی شماره (۲): موقعیت بخش مرکزی شهرستان آبدانان و منطقه‌ی مورد بررسی (جوانمرد زاده، ۱۳۸۹: ۷).

در بررسی و شناسایی حوزه‌ی شمالی بخش مرکزی آبدانان، نوزده محوطه‌ی باستانی اعم از گورستان، محوطه و بنا شناسایی گردید. طیف زمانی محوطه‌های مذکور از اواسط هزاره‌ی دوم پیش از میلاد تا دوران اسلامی متأخر را در بر می‌گیرد. در میان نوزده محوطه‌ی شناسایی شده، هشت محوطه متعلق به دوران پیش از تاریخ، شش محوطه مربوط به دوران پارت و ساسانی و یک محوطه مربوط به دوران ساسانی - اسلامی و چهار محوطه مربوط به دوران اسلامی متأخر می‌باشد.

نقوش سنگ قبرها

نقوش حک شده روی سنگ قبرهای مناطق مختلف کشور از دیرباز مورد توجه افراد گوناگون قرار گرفته است. اینگونه دو مانع مورتسنس در کتاب کوچ نشینان لرستان (Mortensen, 1993) در مورد پیشینه‌ی مطالعه‌ی قبرهای نقش دار لرستان آورده است:

نخستین دسته از بررسی این گونه قبرها شامل مشاهدات تصادفی و اظهارنظرهایی است که توسط مسافران، اکتشاف‌گران و افسران سیاسی در قرن نوزدهم میلادی صورت گرفته است (موریر، ۱۸۳۷: ۲۳۴؛ راولینسون، ۱۸۳۹: ۵۳-۸ و ۵۷؛ دوبودو، ۱۸۴۵: II ۱۹-۲۱۷؛ لایارد، ۱۸۸۷: I ۲۰۲ و ۹-۴۳۸؛ بیشاپ، ۱۸۹۱: II ۱۰۰؛

کورزن، ۱۸۹۲:III؛ ۲۹۹؛ هرتسفلد، ۱۹۰۷:۵۹ و استارک، ۱۹۳۲:۵۰۴؛ Mortensen, 1993: 132). فیلیبرگ در نخستین آثارش راجع به ایل پاپی در سال ۱۹۳۵ از این دسته قبرها نقش دار عکس برداری کرد. وی هم چنین دو دسته قبرستان را توصیف کرد. دو قبرستان توصیف شده‌ی او دارای کتیبه و برخی اشکال حک شده بودند. او هم چنین، نوشته است که روی سنگ قبر متوفی نوشته شده که می‌توان به راحتی تاریخ قبر را تشخیص داد (همانجا).

دسته‌ی دوم شامل گروه کوچکی از مطالعات تخصصی‌تر یا مقاله‌های کوتاهی در این زمینه است (ایلر ۱۹۵؛ ملدگارد، ۱۹۶۴؛ گاف ۱۹۷۰-۷۱؛ واندنبرگ ۱۹۷۲: ۱۹-۲۰؛ و پورکریم ۱۹۷۴: ۷-۵۴) (همانجا). مطالعات انجام شده توسط موریر، لایارد، دی بود و بیشاپ و کروزن همگی در منطقه‌ی بختیاری صورت گرفته است. مطالعات راولینسون، هرتسفلد، واندنبرگ و پورکریم در مناطق پشت کوه و شرقی‌ترین مناطق پیش کوه صورت گرفته است (همان). استارک، ملدگارد، گاف و ایلر مشاهده‌هایشان را در بخش شمالی و مرکزی پیش کوه انجام داده‌اند؛ در حالی که مطالعات فیلیبرگ در بالا گریوه (جنوب خرم آباد) انجام گرفته است (همانجا). اینگه دومانت مورتسن در سال ۱۹۷۴ به عنوان عضو هیئت باستان‌شناسی دانمارکی در لرستان به نقشه‌برداری و مطالعه‌ی بزرگترین قبرستان دره‌ی هلیلان به نام پله کبود پرداخته و پانزده قبرستان دیگر نیز مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته است. در سال ۱۹۷۷ نیز تعداد زیادی از قبرستان‌های کوچ‌رو در منطقه‌ی پشت کوه و پیش کوه توسط مورتسن بررسی و شناسایی شده‌اند (همانجا).

در سال‌های اخیر متأسفانه پژوهش‌های مربوط به نقوش سنگ قبرها کم‌تر مورد توجه باستان‌شناسان و انسان‌شناسان قرار گرفته و به حیطه‌ی گرافیک و هنر قدم نهاده است. در سال‌های اخیر قبرستان‌های معروفی چون دارالسلام شیراز در کانون توجه پژوهشگران هنر و گرافیک قرار گرفته است (ر.ک: به پویان ۱۳۸۹؛ پدram خسرو نژاد ۱۳۷۷ و چارنی ۱۳۸۷).

محوطه کونه کل ۲ [۲]

شرح: این محوطه در ۱/۵ کیلومتری جنوب غربی روستای گنداب و ۲۰۰ متری غرب محوطه باستانی کونه کل ۱، قرار گرفته است.

موقعیت محوطه: جاده خاکی دسترسی منطقه‌ی قدح که دورتا دور آن ادامه دارد، از حاشیه‌ی شمالی محوطه می‌گذرد. چشمه‌ی آب شیرین منطقه در ۵۰۰ متری شمال شرقی محوطه قرار دارد. ابعاد محوطه ۲۰ متر (در جهت شمالی - جنوبی) و ۳۰ متر (شرقی - غربی) است و اختلاف ارتفاع بالاترین و پایین‌ترین نقطه‌ی آن کمتر از یک متر است.

محوطه‌ی مذکور، محوطه‌ای گورستانی متعلق دوره‌ی اسلامی است. بر اساس آثار سطحی (سنگ قبرها و نیز جهت قبرها) هم‌چنین، فقدان اسناد و مدارکی که قدیمی بودن آن‌ها را به اثبات برساند، این مسأله را تأیید می‌کند. جهت همه‌ی گورهای این گورستان شرقی - غربی با کمی انحراف به طرف محور شمال می‌باشند. بعضی از قبرها دارای سنگ‌های نوشته با تاریخ، نقش‌ها و مضامین خاص هستند (تصویرهای شماره ۱ و ۲).



(ب)



(الف)

تصویر شماره (۱): نمونه‌ی سنگ قبر های محوطه کونه کل ۲



(ب)



(الف)

تصویر شماره (۲): نمونه‌ی سنگ قبر های محوطه کونه کل ۲

محوطه‌ی گورستانی

طاق سر قدح*

شرح: این محوطه در هشت کیلومتری جنوب روستای گنداب، ۳۵۰ متری غرب جاده‌ی خاکی روستای گنداب - قدح و مشرف بر رودخانه‌ی گنداب (از سرشاخه‌های میمه که از شرق محوطه عبور می‌کند) قرار گرفته است. محوطه‌ی گورستانی طاق سر قدح نام دارد و ابعاد آن ۷۰ متر (در جهت شرقی - غربی) و ۳۰ متر (در جهت شمالی - جنوبی) است. محوطه با شییبی بسیار ملایم بر دامنه‌ی یکی از تپه‌های طبیعی قرار گرفته است. فاصله‌ی آن با چاه نفت، ۱۷۰ متر در جهت جنوب شرقی فاصله دارد. در این محوطه دو اثر (دو طاق) وجود دارد که از لاشه سنگ و گچ ساخته شده‌اند. متأسفانه این محوطه به شدت در معرض تخریب قرار گرفته است.

گورهای این گورستان دارای ساختار سنگ‌چین ساده در جهت شمال شرقی - جنوب غربی هستند که کمی به سمت جنوب انحراف دارند. بنابراین، به روشنی نشان از سنت‌های تدفینی دوره‌ی اسلامی دارند. دور تا دور گورها به شکل بیضی یا مستطیل مشخص شده‌اند (تصویر شماره ۳ الف، ب و ج).



(الف)



(ب)



(ج)

تصویر شماره (۳): نمونه ای از سنگ قبر های حکاکی شده در محوطه ی گورستانی طاق سر قدح

محوطه‌ی گورستانی گنداب^۱

این محوطه در ۲۰۰ متری جنوب روستای گنداب (۵۰ متری غرب گورستان امروزی روستا و مشرف بر دره‌ی شرقی روستا) قرار گرفته است. ابعاد محوطه ۵۰ متر (در جهت شرقی - غربی) و ۴۰ متر (در جهت شمالی - جنوبی) است. محوطه کاملاً با زمین‌های اطراف هم‌سطح است و به جز آثار یک چارطاقی که با لاشه سنگ و گچ ساخته شده، به سختی می‌توان به محوطه بودن آن پی برد (تصویر شماره ۹).

گورهای این گورستان دارای ساختار سنگ‌چین ساده در جهت شمال شرقی - جنوب غربی هستند که کمی به سمت جنوب انحراف دارند. به روشنی نشان از سنت تدفین در دوره‌ی اسلامی دارند. دور تا دور گورها به شکل بیضی یا مستطیل مشخص شده است (تصویر شماره ۱۰ الف). در گوشه‌ی شمال غربی گورستان، فضایی به ابعاد $۱۰/۳۰ \times ۸/۵۰$ متر با لاشه سنگ‌های ریز و متوسط (با قطر متوسط ۱۵×۱۵ سانتیمتر) مشخص شده است. درون این فضای یک یا چند گور قرار گرفته است. از سطح این محوطه هیچ گونه مدرکی دال بر سفالی بودن یا نظیر آن به دست نیامد؛ اما بر اساس سبک و نشانه‌ی گورها، این گورستان به دوران اسلامی متأخر تعلق دارد.



تصویر شماره (۴): نمای یکی از گورهای سنگی گورستان گنداب.

محوطه پشت گرده*

این محوطه در ۱۱/۸ کیلومتری جنوب غربی روستای گنداب (منطقه‌ی پشت گرده) روی تپه‌ای در دامنه‌ی یکی از کوه‌های مشرف بر منطقه قدح رو به جنوب است و بر بالای دره‌ای عمیق به نام اشکی در پایین قرار گرفته است. دسترسی به منطقه قدح از طریق جاده‌ی خاکی است که دورتا دور منطقه ادامه دارد و از حاشیه‌ی شمالی محوطه می‌گذرد. ابعاد محوطه ۷۰ متر (در جهت شمالی - جنوبی) و ۳۵ متر (شرقی - غربی) است که اختلاف ارتفاع بالاترین و پایین‌ترین نقطه‌ی آن ۶ متر است. در گوشه‌ی جنوب غربی محوطه آثار یک چاله‌ی حفاری قاچاق دیده می‌شود که خسارتی به محوطه وارد نکرده است.

محوطه‌ی مذکور گورستانی متعلق به دوران اسلامی است. آثار سطحی (سنگ قبرها و جهت آن‌ها) و نیز فقدان مدرکی دال بر اینکه این گورستان متعلق به دوره‌های قدیمی‌تر است، این مطلب را ثابت می‌کند. جهت همه‌ی گورهای گورستان شرقی - غربی با کمی انحراف به طرف محور شمالی می‌باشد. بعضی از قبرها دارای سنگ‌های نوشته با مضامین خاص و نیز تاریخ متعلق به حداکثر دو قرن پیش است (تصاویر شماره ۵)



تصویر شماره (۵): نمونه‌هایی از سنگ قبرهای تاریخ دار از محوطه‌ی پشت گرده

محوطه‌ی ۱۴۰

اطلاعات مربوط به این محوطه در گزارش بررسی باستان‌شناختی منطقه لحاظ نشده است؛ اما سنگ قبرهای آن از لحاظ تصویری بسیار غنی‌تر و گویاتر از قبرهای سایر محوطه‌ها هستند. در ادامه تصاویری از شمای کلی محوطه و سنگ قبرهای آن آورده می‌شود (تصویر شماره ۶ و ۷).



تصویر شماره (۶): نمای کلی از گورهای محوطه‌ی ۱۴۰



(ب)



(الف)

تصویر شماره (۷): نمای کلی از یکی از گورهای محوطه‌ی ۱۴۰

بحث و بررسی

مورتنسن در سال ۱۹۷۷م طیف گسترده‌ای از قبرستان‌های متعلق به جوامع کوچ رو را در منطقه‌ی پیش‌کوه و پشت‌کوه شناسایی و بررسی کرده است (Mortensen, 1993). وی در این بررسی ویژگی‌های قبرستان‌های این جوامع را برشمرده که شامل قبرستان‌های مورد مطالعه‌ی ما نیز می‌باشد. مهم‌ترین این ویژگی‌ها به اختصار به شرح زیر است:

نخست: ترسیم تصویرهای انسانی و حیوانی روی سنگ قبرها که در آبدانان نیز به وفور تصاویری این چنینی روی قبرها ترسیم شده است (تصویر شماره ۸) (همان: ۱۳۲)؛

دوم: استقرار سنگ‌های عمودی روی قبرهای مردان و زنان، بیشتر در قبرهای مردان کاربرد داشته است (تصویر شماره ۸ الف، ب و ج) (همان‌جا). در آبدانان نیز چنین سنگ‌هایی در مورد مردان و زنان به دست آمده است (تصویر ۱، ۲، ۳، ۶ و ۷). البته، در قبرستان‌های مورد مطالعه‌ی ما سنگ‌های هرمی روی قبرها به دست نیامد. عموماً سنگ‌های عمودی مستطیلی قرار گرفته است؛

سوم: یک سری از قبرها دارای کتیبه‌های عموماً دو زبانه‌ای عربی و فارسی هستند (تصویر ۸ الف) (همان‌جا). در آبدانان برخی از قبرها با کتیبه‌های دو زبانه‌ای فارسی و عربی به چشم می‌خورد (تصویر ۱ ب)؛ اما عمده‌ی کتیبه‌ها به زبان عربی است. در این قبرها عموماً نام پدر، طایفه و تاریخ مرگ به چشم می‌خورد. مورتنسن در بررسی‌های خود آورده است؛ روی هیچ یک از قبرها آیات قرآن به چشم نمی‌خورد، شاید دلیل این امر حفظ حرمت قرآن بوده است (همان‌جا)؛ در حالی که در آبدانان آیه‌ی «کل نفس ذائقة الموت» روی برخی قبرها به چشم می‌خورد (تصویر ۵ سمت چپ بالا). در مورد نقش‌مایه‌های انسانی (اعم از مرد و زن)، نقش حیوانات و نقش‌های مربوط به اشیاء در قبرستان‌های مربوط به جوامع سیار در منطقه‌ی پشت‌کوه و پیش‌کوه همبستگی کامل به چشم می‌خورد.

نقش‌مایه‌های روی سنگ قبرهای آبدانان بسیار متنوع است. بنابراین، جهت شناخت و تحلیل بهتر به دسته‌های زیر تقسیم می‌شوند:

الف) نقش‌مایه‌های انسانی: (تصاویر شماره ۱ الف؛ ۲ الف و ب؛ ۳ ب؛ ۵ و ۶)؛

ب) نقش‌مایه‌های حیوانی: (تصاویر شماره ۱؛ ۲ الف و ب؛ ۳ ب؛ ۵ و ۶)؛

ج) نقش‌مایه‌های گیاهی: (تصویر شماره ۵ سمت چپ پایین)؛

د) نقش مایه‌های ابزار و ادوات: (تصاویر شماره ۱ الف؛ ۲ الف و ب؛ ۳ ب؛ ۴ و ۵ و ۶)؛

ه) کتیبه: (۱ ب؛ ۲ الف و ج؛ ۴؛ ۵ سمت چپ بالا؛ ۶ و ۷ الف و ب).

الف) نقش مایه‌های انسانی تصویر شده روی قبرهای آبدانان در بافتی موضوعی و به صورت‌های زیر به چشم می‌خورند:

۱. تصویر مردی سوار بر اسب در مرکز نقش، به همراه مردانی که تمام رخ در یک ردیف ایستاده‌اند. اطراف این تصویر را عموماً نقش‌های مربوط به تفنگ، بزکوهی یا گوزن فرا گرفته است. احتمالاً این تصویرها مربوط به صحنه‌های شکار بوده‌اند (تصویرهای شماره: ۱، ۲ الف، ۵ سمت راست بالا، ۶)؛
۲. تصویر مردانی تمام‌رخ که دست در دست یکدیگر انداخته‌اند و در کمر آخرین فرد ایستاده تصویر یک تفنگ به چشم می‌خورد (تصویر شماره ۵ سمت راست بالا؛ ۶)؛
۳. تصویر یک مرد به همراه یک زن در حال برگزاری یک مراسم (تصویر شماره ۵ سمت چپ پایین)؛
۴. تصویر چندین زن ایستاده در کنار هم به همراه تصویرهایی از بزکوهی، گوزن و شیر (۲ ب، ۳ ب)؛
۵. تصویر زنی تنها با شانه‌ای در دست (تصویر ۲ الف).

ب) **تصویرهای حیوانی:** عمده‌ی تصاویر حیوانی قبرهای آبدانان به ترتیب مربوط به بزکوهی (تصویر-های شماره ۶ و ۲ ب)، گوزن (۲ الف) و اسب (۱ الف؛ ۵ سمت راست بالا) می‌باشد. فراوانی بعدی مربوط به تصویر شیر (۲ ب) می‌باشد (تصویرهای شماره ۵ سمت چپ بالا)

ج) **نقوش گیاهی:** نقوش گیاهی روی این قبرها تنها یک مورد مربوط به نقش گل شبیه به سنبل و شاید شاخه‌ای از گل گندم (۵ سمت چپ پایین) باشد.

د) **نقوش ابزار و ادوات:** ابزارها و ادوات روی قبرهای سنگی آبدانان فراوان و بسیار متنوع‌اند. به طور کلی این تصویرها به دسته‌های زیر تقسیم می‌شوند:

- ❖ تفنگ: (تصویر شماره ۱ الف؛ ۲ الف؛ ۵ و ۶)؛
- ❖ نیزه: (تصویر شماره ۵ سمت چپ پایین)؛
- ❖ مهر و تسبیح: (تصویرهای شماره ۱ ب؛ ۳ ج؛ ۵ سمت چپ بالا؛ ۶ و ۷ الف)؛
- ❖ قلیان: (تصویرهای شماره ۱ ب؛ ۳ ج)؛

- ❖ گلاب پاش: (تصویر شماره ۱ ب)؛
- ❖ کاسه: (تصویر شماره ۱ ب)؛
- ❖ شانه به دو شکل متفاوت: (تصویرهای شماره ۲ الف؛ ۳ ب؛ ۵ سمت چپ بالا)؛
- ❖ کلاه: (تصویر شماره ۱ ب)؛
- ❖ اشیای با کاربرد نامعلوم: (تصویر ۱ ب).

ه) کتیبه: کتیبه‌های روی سنگ قبرها عموماً به خط ثلث و حاوی مطالب زیر است (تصویرهای شماره ۱ ب؛ ۲ الف و ب؛ ۳ الف و ج، ۴؛ ۵ سمت چپ بالا؛ ۷ الف و ب):

- ❖ آیات قرآنی در بالای سنگ قبرنظیر: انا لله و انا الیه راجعون و کل شی ذائقه الموت؛
- ❖ معرفی شخص متوفی (نام، نام پدر، نام طایفه، تاریخ فوت)؛
- ❖ طلب مغفرت برای شخص متوفی

مقایسه‌ی قبرهای آبدانان با قبرهای اسلامی دلیجان:

در بررسی‌هایی که خرداد ماه سال ۱۳۸۹ در شهرستان دلیجان (از شهرستان‌های استان مرکزی) به وسیله‌ی هیئت باستان‌شناسی به سرپرستی حجت داریبی صورت گرفت، چندین قبرستان (تصویر شماره ۹، ۱۰، ۱۱) مشابه قبرها در آبدانان معرفی شد که متعلق به دوره‌ی اسلامی متأخرند. از آن جا که تصاویر مشابه با تصاویر قبور آبدانان روی سنگ قبرها حکاکی شده است؛ بنابراین، به مقایسه‌ی اجمالی آن‌ها با نمونه‌های آبدانان می‌پردازیم.

- مهم‌ترین تفاوت میان قبرهای دلیجان و قبرهای آبدانان مربوط به تصاویر انسانی می‌باشد. روی قبرهای دلیجان هیچ تصویر انسانی مشاهده نمی‌شود، این امر در مورد قدیمی‌ترین قبرستان تا جدیدترین آن صدق می‌کند؛ در حالی که در قبرهای آبدانان بیشترین تصویر مربوط به نقوش انسانی است. در آبدانان نقوش انسانی در بافتی موضوعی مطرح شده و در صدد بیان موضوعی مربوط به زندگی دنیوی فرد متوفی می‌باشد. هم‌چنین، به‌وفور نقش زنانی با موی بلند به چشم می‌خورد که گاه در کنار مردان و گاه به صورت گروهی یا فردی به تصویر کشیده شده‌اند، این امر به هیچ وجه در قبرهای دلیجان و نیز حتی در قبرهای مشابه و هم زمان در دارالسلام شیراز^[۲] (پویان و خلیلی ۱۳۸۹) (تصویر شماره ۱۲) و قبرستان سمیران (تصویر شماره ۱۳) در استان گیلان مشاهده نمی‌شود. به نظر می‌رسد دلیل این امر به روحيات و شرایط زندگی و هنجارهای حاکم بر

جوامع سیار و یک‌جانشین در این دوره برمی‌گردد. امید است پژوهش‌ها و رویکردهای قوم باستان‌شناسی پاسخی علمی و منطقی را برای ترسیم این تصویرها ارائه دهند.

- در دلیجان کتیبه‌های سنگ قبرهای بسیار متنوع تر و پرکارتر از قبرهای آبدانان می‌باشند (تصویر شماره ۹). روی قبرها دلیجان علاوه بر آیات قرآنی، نام متوفی و نام پدر وی، ابیاتی از اشعار فارسی و هم چنین تاریخ مرگ به چشم می‌خورد؛ در حالی که در قبرهای آبدانان کتیبه‌ها بسیار ساده‌تر (۱ب، ۲ب، ۳الف و ج، ۴، ۵ سمت چپ بالا، ۶) و تعداد اندکی از گورها دارای تاریخ می‌باشند. به طور کلی، در دلیجان تمرکز هنرمند بیشتر خطاطی و تجملی کردن آن بوده؛ در حالی که در آبدانان هنرمند بیشتر بر تصاویر و مفهوم بخشیدن به آن‌ها تأکید داشته است.

- در قبرهای دلیجان تصاویر مربوط به حیوانات بسیار اندک و تنها محدود به فرم پرنده‌ی شبیه به مرغ خانگی است (تصویر شماره ۹). این مورد نیز تنها در قبرستان وران واقع در شهرستان دلیجان مشاهده می‌شود؛ در حالی که روی قبرهای آبدانان تصاویر حیوانی بسیار غنی و متنوع است، به عنوان مثال: تصویر بزکوهی، گوزن و اسب روی بیشترقبرهای مردان و زنان مشاهده می‌شود و عنصر جدایی‌ناپذیری موضوع‌های تصویری روی قبرهای این منطقه می‌باشد (تصویر ۱، ۲، ۵ و ۶) از سویی، با توجه به ادبیات عامه‌ی مردم ایلات و عشایر، حیوان‌هایی مانند بز کوهی، گوزن و شیر همواره جایگاه مهمی در حوادث مهم زندگی افراد مانند شکار و جریان‌های دیگری دارند که گواه بر شجاعت و دلیری فرد هستند.

- در تصاویر مربوط به ادوات و اشیای متفرقه روی قبرهای دو منطقه، قبرهای آبدانان (تصویر شماره ۱، ۲، ۳، ۵، ۶ و ۷) بسیار غنی‌تر و متنوع‌تر از قبرهای دلیجان (تصویر شماره ۱۰) می‌باشند. برخی از محققان دسته‌ای از نقوش ابزار و ادوات را نشانه‌هایی دال بر جنسیت یا شغل شخص متوفی می‌دانند. به عنوان مثال: برخی تصویر شانه را مربوط به قبرها زنان و نشانه‌ای دال بر جنسیت متوفی می‌دانند یا تصویر قیچی را گواهی بر آرایشگر گر بودن یا خیاط بودن شخص متوفی می‌دانند (پویان، ۱۳۸۹)؛ در حالی که به نظر می‌رسد چنین تفاسیری بدون به کار بردن پژوهش‌های قوم باستان‌شناسی یا بدون دانش کافی از فرهنگ عامه‌ی مردم منطقه درست نیست؛ زیرا به عنوان مثال: تصویر شانه هم روی قبرها مردان و هم زنان؛ اما به دو شکل متفاوت حک شده است. در قبرهای مردان تصویر شانه به صورت شانه‌ای ساده (تصویر شماره ۱۰ گور ب) یک طرفه است؛ در حالی که شانه‌های روی قبور زنانه دو طرفه (تصویر شماره ۱۰ گور الف) می‌باشند. مورد دیگر مربوط به تصویر قلیان (تصویر شماره ۱) است که هم روی قبرهای مردان و زنان ترسیم شده است (در تصویر شماره ۱ گور سمت راست مربوط به یک زن و گور سمت چپ مربوط به یک مرد است). این رویکرد در مورد گلاب پاش و چند شیء دیگر با کاربرد نامعلوم نیز صادق است. به نظر

می‌رسد دلیل ترسیم این اشکال- حداقل در آبدانان- چیزی بیش از نشان دادن جنسیت فرد می‌باشد. شاید یک دلیل احتمالی برای ترسیم این تصاویر نشان دادن دلبستگی‌های فرد، یادآوری یک خاطره از دوران حیات متوفی اعم از شجاعت، حادثه،... یا القای یک ویژگی فردی او به بازماندگان باشد (به عنوان مثال: امروزه نیز تصویر مهر و تسبیح به عنوان نشانه‌ای دال بر تقوای متوفی بر روی قبرها حک می‌کنند). در مورد ادوات حکاکی شده، در قبور دلیجان محدود به چندین مورد نقش تفنگ (تصویر شماره ۱۱) است که روی قبرهای مردان ترسیم گردیده؛ در حالی که در آبدانان علاوه بر تفنگ (تصویر شماره: ۱ الف، ۴، ۵ و ۶)، تصاویری از نیزه (تصویر شماره: ۵ سمت چپ پایین) نیز به چشم می‌خورد. در آبدانان تصاویر ادوات جنگی روی قبرهای مردان (به تعداد بیشتر) و زنان (کمتر) دیده می‌شود. در قبرستان دارالسلام شیراز و سمیران گیلان نیز تصویر تفنگ به وفور روی قبرهای مردان حک شده است (تصویر شماره ۱۲).

- تصاویر گیاهی روی قبرهای هر دو منطقه بسیار اندک و تنها محدود به چند مورد است. در دلیجان تصاویر گیاهی محدود به تصویر گل لاله به صورت تکی یا دسته‌ای (تصویر شماره ۱۰) است؛ در آبدانان تنها یک مورد طرح گیاهی شبیه به گل سنبل (تصویر شماره ۵ سمت چپ پایین) مشاهده می‌شود؛ در حالی که در قبرستان دارالسلام شیراز کاربرد وسیع نقوش گیاهی به ویژه درخت سرو به صورت برجسته بر روی قبرها به چشم می‌خورد.

به طور کلی، قبرهای آبدانان از نظر تصویری بسیار غنی تر و متنوع‌تر از قبرهای دلیجان هستند، در حالی که از نظر کتیبه‌نگاری تنوع قبور دلیجان بسیار بیشتر از قبرهای آبدانان است. تصاویر قبرهای آبدانان در مقایسه با نمونه‌های دلیجان، قبرستان دارالسلام شیراز و قبرستان سمیران در استان گیلان دنیوی‌تر بوده و مربوط به حوادث زندگی دنیوی فرد متوفی می‌باشد. به نظر می‌رسد هنرمند آبدانان در ترسیم نقوش بیش‌تر به حیات اخروی فرد متوفی و طلب آمرزش، به افتخارات و حوادث زندگی دنیوی او، بزرگ‌نمایی شخصیت و حسرت از دست دادن وی و ترسیم جز به جز نقوش توجه داشته است. البته، نباید شیوه‌ی معیشت ساکنان این گورستان را از نظر دور داشت؛ چرا که جوامع سیار در مقایسه با جوامع یک‌جانشین از جهان بینی و فرهنگ مجزایی برخوردار بوده‌اند که به وضوح در هنر و صنایع دستی آنان انعکاس یافته است.



(ب)



(الف)



(ج)

تصویر شماره (۸): چند سنگ قبر در منطقه‌ی هیلان، استان ایلام (Mortensen, 1993)

تصاویری از قبرهای دلیجان:



تصویر شماره (۹): نمای کلی برخی قبرهای قبرستان امام زاده ابوالفضل
شهرستان دلیجان (دارابی، ۱۳۸۹)



(ب)



(الف)

تصویر شماره (۱۰): نمای کلی از گورهای دلیجان. گور (الف): در گورستان کهک از توابع شهرستان دلیجان. گور (ب):
گورستان وران در شهرستان دلیجان (دارابی، ۱۳۸۹)



تصویر شماره (۱۱): نمایی از یک گور در گورستان دهک در شهرستان دلیجان (دارابی، ۱۳۸۹)



تصویر شماره (۱۲): نمایی از یک گور در گورستان سمیران (عکس: نگارندگان)



تصویر شماره (۱۳): نمایی از یک گور در قبرستان دارالسلام شیراز (منبع: اینترنت)

نتیجه گیری

در بررسی بخش مرکزی آبدانان، (اردیبهشت و مرداد ماه ۱۳۸۹)، نوزده محوطه‌ی باستانی شناسایی و ثبت گردید. طیف زمانی این محوطه‌ها از اواسط هزاره‌ی دوم پیش از میلاد تا دوران اسلامی متأخر را در بر می‌گیرد. در این میان یک محوطه‌ی متعلق به دوره‌ی ساسانی - اسلامی و پنج گورستان متعلق به دوران اسلامی متأخر است. در این مقاله به معرفی و بررسی پنج گورستان متأخر اسلامی پرداخته شده و نقوش روی سنگ قبرهای آن‌ها نیز به صورت مفصل با نقوش سنگ قبرهای گورستان‌های معاصر شهرستان دلیجان در استان مرکزی و به اختصار با نقوش قبرستان دارالسلام شیراز و قبرستان سمیران در استان گیلان مقایسه گردید. پنج محوطه‌ی قبرستان‌های آبدانان به دلیل آن که فاقد محوطه‌های استقرار مرتب می‌باشند، احتمالاً متعلق به جوامع سیار هستند. در دو گورستان از آن‌ها، بناهای چارطاقی به چشم می‌خورد که احتمالاً دارای کارکرد مذهبی یا آیینی بوده‌اند. در تمامی گورستان‌های بررسی شده، سنگ قبرهایی به چشم می‌خورد که حاوی تصاویر باشند. این تصاویر شامل تصویر انسان، حیوان، گیاه، ابزار و ادوات گوناگون هستند. با مقایسه‌ی اجمالی تصاویر این گورستان‌ها با گورستان‌های معاصر در سایر نقاط ایران در می‌یابیم که نقوش گورهای آبدانان دارای تفاوت‌های چشم‌گیری با نقوش گورستان‌های دیگر نقاط ایران هستند. این تفاوت‌ها را می‌توان به اجمال چنین بیان کرد:

- در گورهای آبدانان نقوش انسانی اعم تصویر مردان با لباس قاجاری و زنانی با موهای بلند به تصویر کشیده شده است؛ در حالی که در سایر گورستان‌ها اعم از چندین گورستان در دلیجان و

قبرستان دارالسلام شیراز و قبرستان سیمران در استان گیلان تصاویر انسانی به چشم نمی‌خورد. تصاویر انسانی قبرهای آبدانان عموماً در بافتی موضوعی و در صدد بیان موضوعی مربوط به یک مراسم است. ترسیم تصویر انسان روی سنگ گور در دوره‌ی اسلامی چندان پسندیده نبوده؛ در حالی که در آبدانان بیشترین نقش را در میان سایر نقوش دارد.

- نقوش حیوانی (بزکوهی، گوزن و اسب) و ابزار و ادوات روی گورهای آبدانان بسیار متنوع تر از نقوش گورستان‌های دلیجان، دارالسلام و سیمران می‌باشد. نقوش حیوانی قبرهای آبدانان هیچ‌گاه به تنهایی ترسیم نشده و همواره همراه با نقش انسانی و در بافت موضوعی مرتبط به کار رفته است؛ در حالی که در گورستان‌های نام برده، تصویر حیوانات به تنهایی ترسیم شده است؛
- کتیبه‌های قبرهای دلیجان و دارالسلام نسبت به کتیبه‌های قبور آبدانان از تنوع بیشتری برخوردار بوده‌اند. به صورتی که در دلیجان و دارالسلام تمرکز هنرمند بیشتر روی نوشته و تجملی کردن آن بوده و تصویر چندان در اولویت نبوده است؛ در حالی که در آبدانان تمرکز هنرمند بیشتر بر تصاویر بوده است.

شاید مهم‌ترین دلیل این گونه تفاوت‌ها، تفاوت در شیوه‌ی زندگی و معیشت مردم آبدانان و نقاط مورد مقایسه بوده است؛ چرا که ساکنان آبدانان در این دوره جز جوامع سیار و ساکنان نقاط مورد مقایسه؛ یعنی دلیجان، شیراز و گیلان در این دوره یک جا نشین بوده‌اند. البته، چنین استنباط‌هایی در مورد تصاویر حک شده و دلیل تفاوت آن‌ها با سایر گورستان‌های مشابه تا زمانی که با استفاده از رویکردهای علمی قوم-باستان‌شناسی آزموده نشده‌اند، تنها در حد یک فرضیه می‌باشد. امید است پژوهش‌های بعدی تا حد زیادی معنا و مفهوم این تصاویر را روشن سازد.

پیشنهاد: با توجه به بررسی‌های به عمل آمده از قبرستان‌های آبدانان پیشنهاد می‌شود این قبرها با تصاویر آن در پرتو مطالعات قوم-باستان‌شناسی و مردم‌نگاری قرار گیرند و گوشه‌ای از فرهنگ اصیل این منطقه شناسایی و روشن شود.*

[1] مقاله‌ی حاضر براساس نتایج بررسی صورت گرفته توسط سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان طی یک فصل بررسی باستان‌شناسی در اردیبهشت ماه (بخش میدانی) و مرداد ماه ۱۳۸۹ (بخش کتابخانه‌ای و تدوین) به انجام رسیده است. داده‌های حاصل از این بررسی توسط مجری طرح اردشیر جوانمردزاده در اختیار نگارندگان قرار گرفته است. از این رو، از ایشان کمال تشکر را داریم.

[۲] Kouna kal محوطه‌ی کونه کل ۱، محوطه‌ای است متعلق به عصر مفرغ و آهن می‌باشد.

منابع و مأخذ:

الف) منابع فارسی

- احمدی، علی اکبر، (۱۳۸۷)، گزارش بررسی و شناسایی منطقه آبدانان، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام. (گزارش منتشر نشده).
- پویان، جواد و مژگان، خلیلی، (۱۳۸۹)، «نشانه شناسی نقوش سنگ قبرهای قبرستان دارالسلام شیراز»، کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۴: ۱۰۷-۹۸.
- جوانمرد زاده، اردشیر، (۱۳۸۹)، گزارش فصل پنجم بررسی و شناسایی باستان شناسی شهرستان آبدانان (بخش مرکزی)، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام. (گزارش منتشر نشده).
- چارثی، عبدالرضا، (۱۳۸۷)، «نقش‌های سنگ مزار گورستان»، آیین‌های خیال، شماره ۶: ۱۳۸-۱۳۲.
- خسرونژاد، پدرام (۱۳۷۷)، «سنگ‌های مزار از پنجره‌ی مردم شناسی هنر»، کتاب ماه هنر، شماره ۲۴: ۲۳-۲۶
- دارابی، حجت، (۱۳۸۹)، گزارش بررسی باستان‌شناسی شهرستان دلیجان، آرشیو سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان مرکزی (گزارش منتشر نشده)
- سلاورزی زاده، محمد، (۱۳۸۱)، امکان‌سنجی توسعه شهر آبدانان به عنوان یک شهر کوچک در استان ایلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران (پایان نامه منتشر نشده).
- مترجم، عباس، (۱۳۷۹)، گزارش بررسی و شناسایی منطقه آبدانان (بخش مرکزی و سراب باغ)، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام. (گزارش منتشر نشده).

[۳] متأسفانه عکس‌های ارائه شده از قبرستان دارالسلام در منابع از فاقد کیفیت بوده و گویایی کافی در ارائه‌ی تصویر نداشتند.

- محمدی فر، یعقوب، (۱۳۸۰)، گزارش بررسی و شناسایی منطقه آبدانان (بخش مرکزی و سراب باغ)، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام. (گزارش منتشر نشده).

- مرادی، ابراهیم، (۱۳۸۷)، گزارش بررسی و شناسایی منطقه آبدانان (بخش مورموری)، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام. (گزارش منتشر نشده).

ب) منابع انگلیسی

- Mortensen, I., D., (1993). *Nomads of Luristan: History, Material Culture, and Pastoralism in Western Iran*, Thames and Hudson, New York.

Archeological survey of Islamic cemeteries in Abdanan, Ilam

Mahsa faiz^{*}

Nasim faizi[†]

Abdanan is located in the southern east of Ilam. In May of 2009, an archeological survey was carried out by Ardeshir Javanmardzade. In the northern part of Abdanan's central division. The main aims of the project were to introduce archeological sites in this area. In this regard, nineteen sites were identified from Bronze Age to later Islamic period .among nineteen sites, we introduce four Islamic cemeteries. There are many stoneware in these cemetery which carved with a lot of designs include human, animals, plants and tools and equipment. In this paper in addition to introduce these cemeteries, we studying the designs and compare them with other contemporary cemeteries of Iran like Delijan In markazi province, Dar-Salam in Shiraz and Semiran in Gilan. Consequently, it seems these illustrations indicated the theories and lifestyle of people who lived here and have a serious different with other cemeteries.

Key words: Abdanan, cemetery, grave, design, later Islamic

